

جہش ذاتی طبیعت

(حرکت جوہری)

www.ketab.ir

سرشناسه: گرامس، محمد علی، ۱۳۱۷
 عنوان و نام پدید آورنده: جنبش ذاتی طبیعت (حرکت در جوهر) / محمد علی گرامس قمی.
 مشخصات نشر: تهران، مبین اندیشه، ۱۳۹۱
 مشخصات فیزیکی: ۲۲۴ ص
 شابک: ۵۰۰۰۰ ریال ۱ - ۱۰۰ - ۳۳۹ - ۶۰۰ - ISBN ۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 موضوع: حرکت جوهر
 موضوع: فلسفه اسلامی
 رده بندهای کنگره: ۱۳۹۱ ک ۲۳ ح ۵۵ / BBR
 رده بندهای دهوی: ۱۸۷/۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۰۰۲۸۶

جنبش ذاتی طبیعت «حرکت در جوهر»

مؤلف: محمد علی گرامس قمی
 ناشر: مبین اندیشه
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان
 چاپخانه: ظهور
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 شابک: ۱ - ۱۰۰ - ۳۳۹ - ۶۰۰ - ISBN ۹۷۸



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد.

دفتر تهران: خیابان قزوین، خیابان سبحانی، خیابان شهید برادران فلاح پلاک ۲۱۹
 انتشارات مبین اندیشه ۰۹۱۲۳۹۰۸۴۷۵ - تلفن: ۰۲۱ - ۴۲۸۶۱۵۸۵

دفتر قم: خیابان معلم - ۱۰ متری معلم - کوچه ۵ (شهید فلسفی) پلاک ۲
 همراه: ۰۹۱۲۶۵۱۸۰۳۶ - تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۲۸۳۷۰

E-mail: mobinandishe.Com

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار.....
۹	اهمیت فلسفه.....
۱۵	مقدمه.....
۱۶	«حرکت» در مکاتیب مخالف فلسفی.....
۱۶	فرق مکتب صدرا و عرفا.....
۱۹	نظریه متکلمان در بحث حرکت.....
۲۱	«حرکت» در دیدگاه فلاسفه پیشین.....
۲۲	آرای فلاسفه متأخر از صدرالمتهین.....
۲۳	اثبات حرکت جوهری در متون دینی.....
۲۴	محورهای بحث حرکت.....
۲۶	چه مقوله‌ای از مقولات، دارای حرکتند؟.....
۲۷	تعریف حرکت.....
۲۸	توضیح.....
۳۱	حرکت توسطیه و قطعیه.....
۳۲	فرق حرکت توسطیه و قطعیه.....
۳۲	کدام یک از این دو حرکت وجود دارند؟.....
۳۴	مقولات بدون حرکت.....
۳۵	حرکت جوهری در غیر مکاتیب فلسفی.....
۳۷	براهین حرکت جوهری.....

- ۴۲ نقد و بررسی دلیل چهارم
- ۶۴ اشکال
- ۶۷ «حرکت جوهری» از کیست؟
- ۷۱ قرآن و حرکت جوهری
- ۷۶ مقصود از حرکت، در حرکت جوهری چیست؟
- ۷۶ اسامی و اصطلاحات حرکت
- ۷۷ تسمیه حرکت جوهری: حرکت جوهری می‌گویند، یا حرکت
- ۷۸ موضوع حرکت جوهری
- ۸۰ مقصود از «طبایع مادی» چیست؟
- ۸۱ تعریف جسم
- ۸۲ مقصود از «طبیعت» چیست؟
- ۸۲ تهافت در کلام صدرا درباره‌ی حرکت، و وجه جمع آن
- ۸۵ حرکت در جهان آخرت
- ۸۷ آیا در بهشت حرکت وجود دارد؟
- ۹۲ «زمان» دلیلی دیگر بر حرکت جوهری
- ۹۴ بررسی
- ۹۴ دسته بندی اقوال در باب زمان
- ۹۵ سخن قیصری در باب زمان
- ۹۶ نظریه صدرا درباره زمان
- ۹۸ تبیین دلالت برهان زمان بر حرکت جوهری
- ۱۰۲ نقد و بررسی تقریرات بعضی از نویسندگان معاصر
- ۱۰۷ واقعی بودن «حرکت» و «سکون»
- ۱۰۹ دلایل مخالفان حرکت جوهری و پاسخ آن
- ۱۱۰ اشکال شیخ الرئیس بر حرکت جوهری

۱۱۲	پاسخ صدرالمتألهین به اشکال‌های ابن سینا
۱۱۶	اشکال دیگر
۱۱۷	ملاحظه و بررسی
۱۱۸	تحلیل و بررسی اشکال «حرکت در حرکت»
۱۲۰	محل حرکت (یعنی معروض تغیر و تجدد) چیست؟
۱۲۱	پاسخ به شبهه‌ی «حرکت در حرکت»
۱۲۴	انحصار حرکت در بعضی از مقولات
۱۲۶	حرکت جوهری در مباحث قرآنی و عرفانی
۱۲۷	عامل حرکت جوهری در انسان
۱۳۰	تذکری در رابطه با افکار محی الدین عربی
۱۳۸	آثار حرکت جوهری
۱۴۲	حدوث زمانی عالم
۱۴۵	حل مسأله حدوث زمانی عالم
۱۴۷	مفهوم زمان
۱۴۸	واقعیت یا وهمیت زمان
۱۴۹	حقیقت زمان
۱۵۶	حرکت منشأ انتزاع زمان؟
۱۶۱	آغاز زمان
۱۶۲	نسبیت زمان
۱۶۳	تلخیص مباحث زمان و ارتباط آن با حرکت
۱۶۴	اتصال و استمرار حرکت
۱۶۸	غایت خلقت در روایات
۱۷۸	تاریخچه بحث ربط متغیر به ثابت
۱۷۹	مدخل بحث ارتباط متغیر با ثابت

۱۸۱.....	پاسخ اجمالی مرحوم صدرا
۱۸۵.....	نقش «حرکت دوری فلک» در ارتباط ثابت به متغیر
۱۸۷.....	نقد نظریه‌ی مربوط به حرکت دوری فلک
۱۹۱.....	راه حل دوم برای ارتباط متغیر به قدیم
۱۹۲.....	نکته‌ای در نقد راه حل دوم
۱۹۲.....	راه حل سوم
۱۹۴.....	راه حل چهارم
۱۹۴.....	نقد و بررسی
۱۹۵.....	پنجمین راه حل پیشنهادی
۱۹۸.....	ارتباط نور و ظلمت

الفهرس الموضوعی لمباحث الاسفار الاربعة

۲۰۵.....	فهرس ما في المجلد الاول من آرائه
۲۰۷.....	فهرس ما في المجلد الثاني من الاسفار
۲۱۰.....	فهرس ما في المجلد الثالث
۲۱۲.....	فهرس ما في المجلد السادس
۲۱۴.....	فهرس ما في المجلد السابع
۲۱۶.....	فهرس المجلد الثامن
۲۱۸.....	فهرس ما في المجلد التاسع من آرائه

پیش‌گفتار

اهمیت فلسفه

ذهن کاوشگر انسان همواره تمایل به کشف مجهولات دارد و از جمله کشف مجهولات او دریاره‌ی اصل هستی و جهان طبیعت و فوق طبیعت. و تنها علمی که در این باره به طور آزاد بحث می‌کند فلسفه است. هیچ علم دیگری دریاره‌ی نظام هستی و قوانین حاکم بر آن بحث ندارد.

مباحث امکان و وجوب و امتناع، علت و معلول، حادث و قدیم، و سایر مفاهیم عامه مربوط به هستی، در این علم مورد نقاش و بحث قرار می‌گیرد. منع کردن از فهم و دانش منعی غیر عاقلانه است، روایاتی که احیاناً در مذمت فلسفه رسیده است، مربوط به لجاج و یک طرفه بودن و ناآزاد فکر کردن است، یعنی تحت تاثیر گروه خاص بودن. در کتاب دیگر اینجانب به نام «فلسفه» توضیح بیشتری آورده‌ام.

این به آن معنی نیست که هر چه در کتاب‌های فلسفی است صحیح است، نخیر، میان فلاسفه هم‌چون سایر علوم اختلافات زیادی است. همان طور که در کتاب‌های فقه و اصول و سایر علوم عقلی و نقلی و تجربی، اختلاف زیاد است.

در فلسفه، بخصوص در چندین مسأله باید تحقیق بیش‌تری صورت گیرد، و از جمله آن‌ها این مسائلی که عرضه می‌دارم: ۱- مسأله علم باری تعالی که محققانه‌ترین بیان، بیان مرحوم صدرالمতألهین و پیروان ایشان است که علم حق به ذات خودش منشأ علم او به همه اشیاء می‌باشد، از این جهت که بسیط الحقیقه کل الاشیاء است، و همه‌ی وجودات عالم در وجود حق تعالی منظوم است، و چون علم به ذات خود دارد پس علم به همه‌ی وجودات دارد (به منظومه و جلد هفتم اسفار رجوع فرماید). لیکن به نظر اشکالی می‌رسد: حدّ انسان و همه‌ی ماهیات دیگر ترکیبی از وجود و عدم است. مثلاً حدّ انسان، حیوان ناطق است، ولی آیا حیوان ناطق لا بشرط یعنی حیوانیت و نطق هست، ممکن است چیزهای دیگری هم باشد؟ اگر این طور باشد که حدّ کامل نیست، بلکه حیوان ناطق بشرط لا، یعنی حیوانیت و نطق و دیگر هیچ و لا غیر. پس حدّ یعنی چیزهایی هست و دیگر چیزها نیست، این نبودن چیزهای دیگر هم دخالت در حدّ دارد. چنان‌که خود صدرالمتألهین در ص ۲۷۹ ج اول و برخی مواضع دیگر تصریح به این مطلب دارد، آن وقت این سؤال مطرح می‌شود که علم به ذات باری تعالی چگونه علم به اعدام منظومه‌ی در حدود را شامل می‌شود؟ خداوند که عدم ندارد و به تعبیر برخی روایات: فاقد کل مفقود است یعنی فاقد الفقد و معدم العدم.

۲- در بحث معاد نظر مرحوم صدرالمتألهین و پیروان ایشان نظریه جسم مجرد و مثال است، این که برخی بزرگان اساتید ما^{رحمه‌الله} گفته‌اند که معاد منظور صدرالمتألهین همان معاد عجوزه‌هاست، به نظر اینجانب صحیح نیست! بدیهی است که صدرالمتألهین معاد با این جسم مادی

طبیعی را معتقد نمی‌باشد. لیکن می‌دانیم که این عقیده با آیات صریحه‌ی قرآنی سازگار نیست که در بحث‌های معاد توضیح داده‌ام که به طور سی‌دی مضبوط است. از طرفی می‌توان گفت مبانی فلسفه هم مقتضی معاد جسمانی طبیعی نیست؛ نه این که مقتضی خلاف آن است که حتماً معاد به صورت جسم طبیعی را محال بداند، چون تکامل در حرکت مجموعه‌ی این وجود انسانی جریان دارد و نه در خصوص جهت جسمیت آن تا برگشت با ماده‌ی طبیعی آن خلاف تکامل و قهراً باشد. لیکن ظاهر کلمات مرحوم صدرالمتألهین و پیروان ایشان این است که معاد جسمانی طبیعی خلاف مبانی فلسفه می‌باشد و این برای اشخاص مبهم است.

البته اصل معاد از ضروریات اسلام است نه خصوص جسمانی بودن آن، و به فرض که جسمانی بودن هم از ضروریات باشد معنای جسمیت اعم از مادی و مثالی است. بنابراین نباید همچون برخی افراد که تقوای لسانی ندارند و از علمیت هم بهره‌ی وافیه نبرده‌اند زبان به تکفیر افتخارات مذهب گشود!

۳- در بحث وحی: ظاهر بلکه صریح فرموده‌ی مرحوم صدرالمتألهین و خیلی افراد دیگر این است که وحی همان معرفت کامل انسان کامل است که از غیب آگاه می‌شود (ج هفتم اسفار) و بر این اساس وحی به علت قابلی یعنی خود شخص مربوط می‌شود، گرچه تکامل و معرفت هم با توفیقات الهی است، لیکن به هر حال وحی را صفت قابل می‌دانند در حالی که همه آیات قرآنی وحی را به علت فاعلی مستند می‌کند: «او حیناً»، «او حی ربك...» «فلا یظهر علی غیبه احداً الا من ارتضى من رسول فیسلک من بین یدیہ ومن خلفه رصداً لیعلم ان قد ابلفوا» و...

۴- معمولاً وجود را یک حقیقت سعی و دارای یک وحدت سنخی می‌دانند و آن را حقیقت مشککه می‌خوانند، حقیقتی که دارای درجات بی‌نهایت است. اگر حقیقت سعی و سنخی و کلی است، برهان صدیقین مشکلی پیدا می‌کند که در کتاب «خدا در نهج البلاغه» توضیح داده‌ام، لیکن مرحوم صدرالمآلهین در مواردی از اسفار از جمله ج ۱ ص ۷۱ و ص ۱۱۳ تصریح می‌کند که وجود یک حقیقت شخصی است، همان طور که مرحوم آقای شیخ محمد رضا قمشای و برخی دیگر معتقد می‌باشند، آن وقت درک حقیقت شخصی بودن وجود نیاز به دقت دارد، منظورشان هم این است که غیر از خداوند، در ذات خود همه عدمند و در جهت انتساب به ذات خداوندی معنی و تحقق می‌یابند. اگر خود را بینیم عدم هستیم و اگر او را بینیم ما و همه‌ی عالم جلوه‌ی او هستیم. پس یک وجود است شخصاً و هو الله تعالی و دیگران اگر عنوان «دیگران» و استقلال به خود بگیرند عدمند و اگر جلوه‌ی او حساب شوند از صقع ربوبی هستند. نمی‌گویند که اساساً این وجودات امکانی عدمند و همچون سوفسطائی‌ها منکر عالم خارج شوند، و نمی‌گویند این وجودات هم خدا هستند، بلکه می‌گویند مستقل از خداوند جبری در عالم نیست، استقلال در غیر خدا معنی ندارد. خدا هست و تحلیاتی!

لیکن این‌ها و دیگر مسائلی که دقت بیش‌تری می‌طلبند، موجب نمی‌شود که علم فلسفه طرد یا مورد بی‌مهری قرار گیرد، عقل و علوم عقلی مربوط به رسول باطنی الهی هستند، همان‌طور که فقه و علوم نقلی مربوط به رسول ظاهر الهی می‌باشند.

بحثی که اینک از نظر شما می‌گذرد مربوط به یکی از ابیات مهم

فلسفه، بحث حرکت در جوهره و ذات همه موجودات عالم طبیعت است. آنگاه که در سال‌های ۵۲-۵۵ در زندان ستم شاهی بودیم، یکی از عزیزان^(۱) از من خواستند چیزی در این زمینه بنویسم و مختصراً نوشتیم. سپس در سال‌های پس از انقلاب، در تعطیلات جمعه‌ها برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم این بحث را بیان کردم که بعداً به وسیله یکی از دانشجویان رشته الهیات تهران از نوار پیاده و پس از تصحیح مختصری توسط یکی از فضلاء حوزه در مجله کیهان اندیشه طی چندین شماره به چاپ رسید. پس از نشر در مجله مزبور مکرراً از طرف خوانندگان تأکید بر چاپ مستقل این مباحث شد. اینک پس از سال‌ها در تعطیلات تابستانی توفیقی دست داد که در سفر زیارتی مشهد مقدس توفیق تجدید نظر اصلاحی دست داد که اینک تقدیم محضرتان می‌شود.

در پایان عرض کنم: در سالیان دراز پیش که اینجانب تدریس اسفار مرحوم صدرالمتألهین را در دو دوره برای جمع کثیری از فضلاء حوزه علمیه قم داشتم، فهرستی از عقائد و آراء آن مرحوم را تهیه نمودم که فکر کردم دانستن این‌ها و آدرس این‌ها برای اهل تحقیق مفید باشد. این آدرس طبق چاپ شرکة دارالمعارف الاسلامیه چاپ ربیع الثانی (۱۳۷۸ هـ) تهیه و تقدیم می‌شود، که در ابتدای جلد اول آن شرح حال مرحوم صدرالمتألهین به قلم مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد رضا مظفر از علماء مشهور نجف اشرف چاپ شده است.

۱ - حضرت آیه الله العظمی منتظری که در آن دوران همراه ایشان و عده‌ای دیگر چون آقایان طالقانی و هاشمی رفسنجانی و انواری و لاهوتی و مهدوی کنی و... در زندان اوین (سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵)، در بند یک، در یک اتاق زندانی بودیم.

مرحوم آیه الله بهجت به اینجانب می فرمود: در نجف پرکارتر از دو نفر ندیدم، یکی مرحوم مظفر و دوم مرحوم آقای خوئی (قدس سرهما).
 اینک ابتدا بحث حرکت جوهری و فهرست مباحث مطروحه در این جزوه، و سپس فهرس آراء صدرالمآلهین در مجلدات اسفار، تقدیم می شود.

قم

محمد علی گرامی قمی

تابستان ۱۳۸۸ هـ ش

www.ketab.ir